

عنوان مقاله:

نقش مدیریتی زنان درصیانت ازبنیان خانواده و سلامت جامعه

محل انتشار:

همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسنده:

لیلا گلپار

خلاصه مقاله:

انسان موجودی است اجتماعی و خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی در تمدن بشری محسوب میشود لذا سلامت و سعادت خانواده تأثیر انکارناپذیری بر پویایی و تعادل جامعه دارد. در این خصوص نقش بانوان مخصوصاً به عنوان یک مادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سیره عملی معصومین علیهم السلام و احادیث نقل شده از این بزرگواران میتواند ترسیم کننده الگوی خانواده آرمانی باشد. جای تأسف است که در کشور ما به عنوان مهد تشیع اهتمام لازم در این خصوص صورت نگرفته و مردم با شنیدن نام حضرات معصومین علیهم السلام تنها به یاد مصایب ایشان میافتند. شکل مطلوب خانواده در اسلام کانون محبت، آرامش و نشاط است و میتواند تربیت کننده انسانهایی شایسته و مفید برای جامعه باشد. این نوشتار سعی دارد بازگوکننده این الگو خصوصاً با توجه به سیره عملی حضرت زهرا سلام الله علیها باشد. خانواده اولین و فراگیرترین نهاد اجتماعی در تمدن بشری محسوب میشود. بخش قابل توجهی از شکلگیری شخصیت افراد در خانواده صورت میگیرد لذا سلامت و سعادت خانواده تأثیر غیر قابل انکاری بر سلامت و پویایی جامعه خواهد داشت. ترسیم شکل مطلوب خانواده به کیفیت رفتار همسران با یکدیگر و همینطور والدین و فرزندان مربوط میشود. در این خصوص زن در جایگاه همسر و مادر میتواند نقش بسیار مهمی در ایجاد یک خانواده آرمانی داشته باشد. تأثیر زنان در روابط اجتماعی غیر قابل انکار است لذا تمام مکاتب دینی و اجتماعی در این خصوص نظریه پردازی کرده‌اند. در دنیای غرب از قرن هفدهم مسأله حقوق بشر مطرح شد. قرن نوزدهم شاهد نظریات جدیدی در خصوص اختلاف طبقاتی در جامعه و لزوم حمایت از طبقه کارگر بود. در قرن بیستم نظریه‌هایی در مورد حقوق زن در برابر حقوق مرد ارایه شد و برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر تساوی حقوق زن و مرد اعلام شد. این تفکر زن و مرد را در برابر یکدیگر قرار داد غافل از اینکه هر چند هر دوی اینها انسانند ولی دارای خصوصیات متفاوت جسمی و روحی میباشند. « در این نهضت عمداً یا سهواً تساوی به جای تشابه به کار رفت و برابری با همانندی یکی شمرده شد. کیفیت تحت الشعاع کمیت قرار گرفت. انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن وی گردید». (مطهری، 1364، ص 34) (به نظر میرسد که اغراض پنهانی پشت طرح مسأله تساوی حقوق زن و مرد قرار داشت. ویل دورانت در کتاب لذات فلسفی به محرومیت شدید زنان در قرن نوزدهم اشاره میکند و خاطر نشان میکند که در آن زمان زن مانند کالا خرید و فروش میشد. زنان از داشتن هرگونه حق مالکیت محروم بودند و آنچه داشتند متعلق به شوهران آنان بود. مرد میتواند همسرش را در حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار دهد بدون اینکه مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. «اما اینکه زن بتواند در کارخانه کار بکند و حق رأی در انتخابات داشته باشد هرگز به خاطر هیچ مردی خطور نمیکرد... آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است زیرا انقلاب صنعتی در درجه اول موجب شد که زن نیز صنعتی شود... زنان کارگران ارزانتری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح میدادند... نخستین قدم برای آزادی مادر بزرگهای ما قانون 1882 بود. به مو ...

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/558891>

